راهنمای پژوهش در مورد حضرت خدیجه علیهاالسلام
آیةالله سید محمد رضا حسینی جلالی / ترجمه: عبدالحسین طالعی
علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و دوم، شمارهٔ ۸۶ «ویژهٔ پژوهش‌های حدیثی»، بهار ۱۴۰۴، ص ۹ – ۲۸

راهنمای پژوهش در مورد حضرت خدیجه علیهاالسلام

آیة‌الله سید محمد رضا حسینی جلالی
ترجمه: عبدالحسین طالعی[۱]

چکیده: این مقاله، راهنمای پژوهش در بارهٔ جناب خدیجه بنت خُوَیلِد، همسر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است، که از مقاله مؤلّف فقید به زبان عربی ترجمه شده است. مؤلّف نکاتی در مورد حضرت خدیجه در دوازده عنوان آورده است: ویژگی‌های شخصی، اسلام آوردن او، جایگاه او نزد پیامبر و فضائل او، برتری او بر دیگران، برخورد عایشه با او، بستگان و دیگر نزدیکان او، خانه خدیجه، وفات و مزار او، کتابهای مستقلّ و فهرست منابع در مورد او. مقاله بر اساس کتابهای شناخته شدهٔ شیعه و سنّی نوشته شده است.

کلیدواژه‌ها: خدیجه بنت خویلد - شرح حال و فضائل؛ همسران پیامبر-خدیجه؛ کتابشناسی؛ تاریخ صدر اسلام.

---

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه قم

اشاره

در آغازین روز ماه رمضان ۱۴۴۶ هجری قمری رحلت یکی از پژوهندگان شاخص علوم حدیث، ضایعه‌ای در جهان علم وارد کرد. در این روز آیة‌الله سید محمدرضا حسینی جلالی پس از هشت دهه زندگی پربرگ و بار در مسیر تحقیق و تعلیم و ترویج حدیث اهل‌بیت علیهم‌السلام درگذشت. مجله سفینه که از نخستین روزهای انتشار، از تأیید و حمایت و ارشاد او برخوردار بود، وظیفهٔ خود دید که در حدّ بضاعت مختصر، یاد آن فقید را زنده نگاه دارد. برای این هدف، ترجمهٔ مقاله‌ای از ایشان در مورد حضرت خدیجهٔ کبری امّ الأئمة و امّ المؤمنین را برای این شماره برگزیدیم.

این گفتار، ترجمه مقاله‌ای است که استاد جلالی حدود ربع قرن پیش، به زبان عربی تحت عنوان «عناوین هامّة فی ترجمة السیدة خدیجة و مصادرها» در مجله عربی علوم الحدیث شماره ۱۱، محرم ۱۴۲۳ ق. ص ۱۱۸-۱۴۰ درج شده است[۱]. سبک نگارش آن به شیوهٔ نکته گویی و ارائهٔ مستندات شیعه و سنّی بدون تحلیل و نقد و بررسی مطالب است. طبع مرحوم جلالی به نقّادی و تحلیل گرایش داشت، چنانکه آثار ماندگار ایشان بر این حقیقت گواه است. لذا محتوای این مقاله را باید نقطهٔ آغازی بر پژوهش‌های مربوط به حضرت خدیجه دانست؛ لذا نه جامع است و نه مانع. ولی از ترتیبی زیبا و رسا برخوردار است و تدوین همین اطلاعات دانشنامه‌ای فرصتی مغتنم برای تحقیقات مربوط به این بانوی بزرگوار فراهم می‌آورد.

مجله سفینه انتشار نخستین مقالهٔ خود در مورد حضرت خدیجه را مجالی برای عرض ادب به آستان بلند بانوی بهشت می‌داند و امید می‌برد که پدیدآورندگان این نوشتار، به ویژه مؤلّف فقید، بدین وسیله، از شفاعت آن بزرگوار بهره مند شوند.

---

۱. باید دانست که مقاله در آن مجله با عنوان «التحریر» امضاء شده است، مانند شماری دیگر از مقالات مرحوم جلالی که بدین شیوه آنها را امضاء می‌کرد. ولی مترجم در زمان حیات، از ایشان شنیده بود که این گروه مقالات، در شمار نگاشته‌های ایشان هستند.

یکم. ویژگی‌های شخصی

۱. کنیه: أمّ هند. (المنتخب من ذيل المذيّل على الطبري ص ۲، بحار الأنوار ۱۲: ۱۶).

۲. القاب: الف. طاهره. در دورهٔ جاهلیت آن گرامی را «طاهره بنت اسد» می‌خواندند. (المعجم الكبير، طبراني ۲۲: ۴۴۸).

ب. المتفرّسة. بنا بر این حدیث: عن أنس: سمعت عليّ بن أبي طالب علیه‌السلام يقول: المتفرّسون في الناس أربعة امرأتان ورجلان: وعدّ صفرا بنت شعيب. وخديجة بنت خويلد. (تاريخ بغداد ۳۵۷/۱۰، الغدير ۵: ۳۱۸).

ج. مباركة. بنا بر حدیث قدسی خطاب به حضرت مسیح در وصف پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله: نسله من مباركة وهي ضرّة أُمّكَ في الجنّة... الخبر. (بحارالأنوار ۲۱: ۳۵۲).

۳. تزویج:

الف. زمان تزویج: ۴۰ ساله بود که به تزویج پیامبر درآمد، ۲۴ سال با پیامبر زیست و هنگام وفات، ۶۴ سال و ۶ ماه داشت. سنّ پیامبر در زمان ازدواج با ایشان را ۲۱، ۲۵ و ۳۳ سال دانسته‌اند. (شرح أصول الكافي مولى مازندراني ۷: ۱۴۳).

ب. مهریه:

از ابن عباس روایت شده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله زمانی آن بانو را به عقد خود در آورد که بیست و هشت سال داشت، ومهریه او ۱۲ أوقية بود. (بحار الأنوار ۱۲: ۱۶). ج. سال ازدواج: ده سال پس از آنکه قریش کعبه را ویران کردند و دوباره ساختند. به نظر ابن اسحاق، سال ۳۵ از تولد پیامبر بود. (تاریخ طبری ۲: ۳۶- ۳۷).

د. روز ازدواج: دهم ربیع الاول در ۲۵ سالگی پیامبر (مصباح المتهجّد ص ۷۹۱). ابن طاووس در اقبال الاعمال ۳: ۱۱۵ روزهٔ این روز را به شکرانه این رویداد مهم مستحب می‌داند. (بحار الانوار ۹۸: ۳۵۷)

هـ. خواستگاری جناب ابوطالب: سخنان جناب ابوطالب در این خواستگاری در منابع زیر آمده است: مناقب آل أبي طالب ابن شهر آشوب (۱:۳۹)، الطرائف ابن طاوس (ص ۳۹۷- ۳۰۷)، مناقب ابن المغازلي، إعجاز القرآن باقلاني (ص ۱۵۳)، صبح الأعشى (۲۱۳/۱)، الغدير (۷: ۲۷۴)، طبقات ابن سعد (۱۱۳:۱)، تاريخ الطبري (۲۲۷/۱)، أعلام الماوردي (ص ۱۱۴)، صفوة الصفوة ابن الجوزي

(۲۵/۱)، الكامل ابن الأثير(۱۵/۲)، تاريخ ابن كثير (۲۹۴/۲)، تاريخ الخميس (۲۹۹/۱)، عيون الأثر(۴۹/۱)، أسد الغابة (۴۳۵/۵)، الروض الأنف (۱۲۲/۱)، تاريخ ابن خلدون (۱۷۲/۲)، المواهب اللدنيّة (۵۰/۱)، السيرة الحلبيّة (۱۴۹/۱-۵۰۱)، شرح المواهب للزرقاني، سيرة زيني دحلان هامش الحلبيّة ۱/ ۱۱۴.

نیز: المجموع نووي (۱۶/ ۱۲۹-۱۳۰)، جواهر العقود منهاجي الأسيوطي (۳/۲)، تاريخ ابن خلدون (ق ۲ ج ۲ ص ۵۰)

در منابع شیعی:

ابن معصوم مدنی در الدرجات الرفيعة ص ۵۱ این سخنان را دلیل بر ایمان جناب ابوطالب می‌داند. در منابع شیعه در کتابهای زیر آمده است: الكافي (۳۷۴/۵)، من لا يحضره الفقيه (۲۵۱:۳الحديث ۱۱۹۸)و (۳/ ۳۹۷ح ۴۳۹۸)، المسح على الرجلين شيخ المفيد (ص ۲۹)، المهذّب البارع (۳:۱۷۷)، مرآة العقول (۲۰: ۹۸-۹۹)، عوالي اللالئ ابن أبي جمهور الأحسائي (۳:۲۹۸ح ۷۸) به نقل از کتاب النکاح کافی، باب خطبة النكاح، بحار الأنوار (۱۶:۱۴- ۱۳) و(۱۶:۱۹)، مستدرك الوسائل (۱۴:۲۰۲) [گوید: این خطبة را ابن شهر آشوب در کتاب مناقب از گروه زیادی نقل کرده است].

و. قربانی: ابوطالب در این مراسم یک شتر ماده قربانی کرد. (المهذّب البارع ۱۷۷/۱).

ز. سخن ناروا: ابن سعد در الطبقات الكبرى ۱۳۲/۱-۱۳۳ این نسبت ناروا را بیان کرده که جناب خدیجه پدرش را با شراب مست کرد و سپس به او خبر داد که محمد مرا به همسری گرفته است. پدرش مخالفت کرد که چرا با وجود بزرگان قریش چنین کردی؟ این مطالب را زهری بیان می‌کند. ولی اهل علم آن را باطل می‌دانند.

محمد بن عمر گوید: این سخنان در نظر ما ناروا است. کلام صحیح در نظر أهل علم این است که پدرش خویلد بن أسد قبل از فجار درگذشت، و عمویش عمرو بن أسد او را به تزویج رسول الله ﷺ در آورد. در الطبقات الكبرى (۱:۱۳۲) این مضمون را از محمد بن جبیر بن مطعم و عائشة و ابن عباس آورده است. مجلسی در بحار الأنوار (۱۶/۱۲و۱۹) نیز آن را نقل کرده است.

در الطبقات الكبرى (۸:۱۴) گوید: این مطلب مورد اجماع اصحاب ما است، بدون اختلاف. نیز در همان کتاب (۱:۱۳۲) به روایت از ابن عباس گوید: عمرو بن أسد بن عبد العزى بن قصيّ، خديجة بنت خويلدٍ را به تزویج پیامبر ﷺ در آورد، در زمانی که پیرمردی

بود و تنها بازماندهٔ أسد بود و خودش نیز فرزندی نداشت. نیز بنگرید: تاریخ الیعقوبي(۲:۲۰)، تاریخ الطبري (۲:۳۵)، البدایة و النهایة ابن کثیر (۲:۳۶۱)، عیون الأثر ابن سید الناس (۱:۷۲). پس از نقل آن از واقدي گوید: آن را از دیگران نیز نقل می‌کنم. صالحي در سبل الهدی (۲:۱۶۶- ۱۶۵) گوید: بیشتر اهل سیره گفته‌اند که عمویش او را به تزویج پیامبر درآورد. سهیلی این کلام را صحیح می‌داند، به دلیل روایت طبری از جبیر بن مطعم وابن عباس وعائشة. واقدي نیز این نظر را ترجیح داده و مطالب مخالف آن را غلط می‌داند. عمر المؤملي این نظر را مورد اجماع می‌داند و سهیلی همین را ترجیح داده که از ابن عباس وعائشة نقل می‌کند.

ح. تعدّد همسران خدیجه قبل از ازدواج با پیامبر و اختلاف نظر در باب آن

در کتاب المحبّر لابن حبیب البغدادي (ص ۴۵۲) آمده: خدیجة بنت خویلد رضي الله عنها با أباهالة هند بن النباش الأسیدي ازدواج کرده و پسری به نام هند زاده بود. سپس با عتیق بن عابد ازدواج کرد و هنده را زاد، آنگاه به تزویج رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در آمد. در منابع زیر نیز همین مطالب آمده است: أسد الغابة (۶/۷۸ رقم ۶۸۶۷)، شرح أصول الکافي مازندراني (۷/ ۱۴۳)، شرح الأخبار مغربي (۳:۱۵)، البدایة ابن کثیر(۳۱۴/۵) نقل از زهري. ولی در تاریخ الطبري (۲/ ۴۱۰-۴۱۱) دیدگاه دیگر آورده است. در بارهٔ همسران ایشان بنگرید: شرح الأخبار مغربي(۱۸۳/۱)، مروج الذهب (۲۷۵/۲)، الأنوار بکري (ص ۲۷۸)، محمّد وعليّ وبنوه الأوصیاء شیخ العسکريّ (۱۳۴/۱و۴۱)، مناقب ابن شهراشوب (۴۱/۱).

اما گروهی تزویج حضرت خدیجه را قبل از پیامبر منکر شده اند، و این فرزندان را ربیبه (فرزندخواندهٔ خدیجه) می‌دانند، مانند: خصیبي در الهدایة الکبری (ص ۳۹)، أبو القاسم کوفي در الاستغاثة (ص ۶۸)، التعجب کراجکي (ص ۳۵). در مناقب ابن شهر آشوب ۱۳۷/۱ آمده که نخستین ازدواج آن بانو با پیامبر بود.

دوم. اسلام آوردن خدیجه

۱. مستندات مسلمان بودن خدیجه

در منابع زیر بر مسلمان بودن حضرتش تصریح شده است: مسند أحمد (۱:۲۰۹)، خصائص أمیر المؤمنین علیه‌السلام نسائي (ص ۴۵)، تاریخ طبري (۲:۲۱)، الریاض النضرة (۲ /۱۵۸)، الاستیعاب

(۴۵۹/۲)، عيون الأثر (۹۳/۲)، الكامل ابن الأثير (۲:۲۲)، السيرة الحلبيّة (۲۸۸/۱)، الإصابة (۴۸۷/۲)، الغدير (۲۲۶:۳)، المناقب خوارزمي (ص ۲۰)، مسند أبي يعلى الموصلي(۱۱۸/۳)، تاريخ الطبري (۲/ ۲۱)، السيرة الحلبية (۲۸۸/۱)، المناقب خوارزمي (ص ۵۶)، شواهد التنزيل حسكاني (۲/۲۲۲ ح ۹۳۷)، شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد (۱۳/۲۲۵)، خصائص النسائي (ص ۳۶) نقل از عفيف الكندي، تاريخ الطبري (۲:۵۶)، المعجم الكبير طبراني (۱۰۳۹۷/۱۰:۱۸۳) و (۱۰۱/۱۸) و (۱۸/ ۱۰۲)، شرح نهج البلاغة (۴:۱۲۰)، ضعفاء العقيلي (۲۷/۱)، الكامل ابن عدي (۴۰۰/۱-۳۹۹)، المحبّر ابن حبيب (ص ۹ و ۴۰۸)، تاريخ اليعقوبي ۲۳/۲.

۲. نخستین بانویی که اسلام آورد.

دانشوران شیعه و سنی چنین گفته‌اند: الفصول المختارة شيخ المفيد (ص ۲۵۸)، الإرشاد (۱:۲۹)، بحار الأنوار (۱۸:۲۰۸)، ذخائر العقبى طبري (ص ۵۹)، تاريخ الطبري (۲:۵۳و۶۱).

سوم. جایگاه او نزد پیامبر

۱. یار و همراه پیامبر. خدیجه یار همراه پیامبر بود که اسلام را تصدیق کرد و رسول الله ﷺ به او آرامش می‌یافت. أسد الغابة (۶/۷۸رقم ۶۸۶۷)، بحار الأنوار (۱۶ ص ۱۰).

۲. إرث بردن پیامبر ﷺ از ایشان: الإفصاح شيخ المفيد (ص ۲۱۲)

۳. ثروت ایشان: الإفصاح شيخ المفيد (ص ۲۱۷)، مسند أحمد (۱۱۷:۶)، سير أعلام النبلاء (۱۱۷:۲)، كنز العمال (۲:۱). شوكاني در فتح القدير (۵: ۴۵۸) در تفسیر آیه (و وجدك عائلاً) گوید: تو را به سبب اموال خدیجه بنت خویلد غنی کرد.

۴. شِعر خدیجه: در الغدير (۲:۱۷) این شعر خدیجه را در فضیلت پیامبر ﷺ نقل می‌کند:

نطقَ البعيرُ بفضل أحمدَ مخبرا — هذا الذي شرفت به أمّ القُرى
هذا محمّد خير مبعوثٍ أتى — فهو الشفيع وخير من وطئ الثرى
يا حاسديه تمزّقوا من غيضكم — فهو الحبيب ولا سواه في الورى

۵. حدیث او: مسند أبي يعلى الموصلي ۵۰۴/۱۲

۶. آشنایی او با علیّ علیه‌السلام: جواهر المطالب في مناقب الإمام علي لابن الدمشقي ۱/۴۰-۳۹

۷. دعوت پیامبر در یوم الدار در خانه‌اش بود: قرب الإسناد حميري (ص ۳۲۵). در باره یوم الدار بنگرید: تاریخ الطبري (۳۱۱:۲)، کنز الفوائد (۲۶۲:۱)، مصباح الأنوار (۷۵)، کفایة الطالب (۱۲۸)، مناقب خوارزمي (ص ۲۱)، و با اختلاف اندک در مسند أحمد (۲۰۹:۱)، الضعفاء الکبیر عقیلي (۲۷:۱) وهامش آن، المستدرك حاکم(۱۸۳:۳)، الإصابة (۴۸۷:۲)، الاستیعاب (۳۲:۳)، مناقب ابن شهر آشوب (۱۸:۲)، الکامل ابن الأثیر(۵۷:۲)، إعلام الوری (ص ۴۹)، بحارالانوار (۲۴۴: ۳۸ح ۴۰) نقل از آن.

۸. همراهی با بني هاشم در شعب ابی طالب: تاریخ الیعقوبي (۲:۳۱)، تاریخ الطبري ۲: ۷۴.

چهارم. فضائل آن بانو

۱. توصیف خانه او در بهشت: المصنَّف عبد الرزّاق صنعاني(۴۳۰/۱۱)، شرح الأخبار مغربي (۱۸/۳)، العمدة ابن البطریق (ص ۳۹۳)، صحیح مسلم (۱۳۳/۷)، صحیح بخاري (۶۳ کتاب مناقب الانصار باب ۲۰)، صحیح مسلم (۴۴ کتاب فضائل الصحابة باب ۱۲ ح ۷۱ص ۱۸۸۷). سهیلی گوید: «و إنّمایعنی قصب اللؤلؤ؛ لأنّها حازت قَصَبَ السبق إلی الإیمان، لا صخب فیه و لانصب؛لأنهالم ترفع صوتها علی النبيّ صلی‌الله‌علیه‌وآله ولم تُتعبه یوماً من الدهر!فلم تصخب علیه یوماًولا آذته أبداً!» فتح الباري(۷/۱۳۳)، مسندأحمد ۵۸/۶.

۲. برترین بانوی بهشت: مسند أحمد بن حنبل (۲۹۳ /۱) و(ص ۳۲۲)، الاستیعاب ابن عبد البرّ درهامش الاصابة (۴/۲۸۴)، المستدرك حاکم (۱۶۰/۳) و(۲ص ۴۹۷)، تلخیص المستدرك ذهبي ذیل المستدرك (۱۶۰/۳) که حدیث را صحیح می‌داند، ذخائر العقبی طبري (ص ۴۲)، أسد الغابة (۵/۴۳۷)، الإصابة (۴/۳۷۸)، ینابیع المودة قندوزي (۱۷۲و ۱۷۳و ۲۴۶و ۱۹۸) ط اسلامبول و (ص ۲۰۲و ۲۰۴و ۲۳۴) ط الحیدریة.

در إحقاق الحقّ (۱۰ص ۵۲) آن را نقل کرده از: مشکل الآثار طحاوي (۱۴/۸)، الاعتقاد بیهقي (ص ۱۶۵)، تاریخ الإسلام ذهبي (۲/۹۲)، تذهیب التهذیب ذهبي (ص ۱۳۴)، البدایة ابن کثیر (۲/۵۹)، تهذیب التهذیب ابن حجر (۴۴۱/۱۲)، کنز العمال (۱۳/۲۶) ط۲ حیدر آباد، منتخب الکنز درهامش مسند أحمد (۵/۲۸۴)، الخصائص سیوطي (۲/۲۹۵) ط عبد اللطیف بمصر، الجامع الصغیر سیوطي(۱/ ۱۶۸)، طرح التثریب (ص ۱۶۹)، إرشاد الساري (۱۶۸/۶)، البیان والتعریف حمزاوي (۱۲۳/۱)، وسیلة المآل حضرميّ (ص ۸۰)، حسن الأسوة (ص ۳۱)، الفتح الکبیر نبهاني (۱/۲۱۴)، أرجح المطالب (ص ۲۴۰و۲۴)، ذخائر

العقبى طبري (ص ۴۲)، مستدرك حاكم (۱۸۵/۳)، مسند أبويعلى الموصلي، معجم طبراني و أحمد، تفسير الدرالمنثور (۲۴۶/۶)، تهذيب التهذيب ابن حجر ضمن شرح حال فاطمة بنت رسول الله ﷺ (۴۴۱/۱۲)، مسند عبد بن حميد الكسي، موارد الظمآن ابن حبان (الرقم:۲۲۲۲)، السنن الكبرى نسائي (۹۳:/۸۳۵۴) با تعليقه مفصل، مناقب أمير المؤمنين محمّد بن سليمان الكوفي ۱۸۷/۲.

۳. چهار تن، از جمله حضرت خدیجه، سروران بانوان بهشتی‌اند: المستدرك حاكم (۱۸۵/۳) و (۲۳۵/۳).

۴. بهشت به چهار بانو مشتاق است: بحار الأنوار (۵۳/۴۳)، نیز: بحار الأنوار (۲۰۸/۴۹) و ۴۴۶/۷۵ نقل از کتاب مولد فاطمة لابن بابويه.

۵. بهترین بانوی بهشت: مسند أبي يعلى الموصلي ۵۲۲/۱: ۳۹۹.

۶. سرور بانوان جهان: كتاب المصنف ابن أبي شيبة، كتاب الفضائل، فصل فضائل فاطمة، رقم ۱۳۳۲۳ (۱۲۷/۱۲)، مستدرک حاکم (۳/ ۱۵۶)، تلخيص المستدرک ذهبی که آن را صحیح می‌داند، مناقب محمد بن سليمان الكوفي ۲/ ۱۹۷.

۷. برترین بانوی جهان: المستدرك حاكم ۵۹۴/۲.

۸. چهار بانو که بهترین بانوان جهان‌اند: المصنّف عبد الرزاق صنعاني (۴۹۳:۹۴۹۲/۷)، الآحاد والمثاني ضحاك (۳۶۴/۲۹۶۱/۵)، السنن الكبرى بيهقي (۶:۳۶۷)، مجمع الزوائد للهيثمي (۲۱۸/۹)، الاستيعاب لابن عبد البر درهامش الإصابة (۴/۳۷۷) و (ص ۲۸۴و۲۸۵)، الإصابة ابن حجر العسقلاني (۴/۳۷۸)، أسد الغابة ابن الأثير (۵/۴۳۷)، ذخائر العقبى طبري (ص ۴۴)، ينابيع المودّة قندوزي (ص ۲۰۴و۲۱۸) ط الحيدرية و(ص ۱۷۳)ط اسلامبول، شرح الأخبار مغربي (۳/ ۵۲۵)، العمدة ابن البطريق (ص ۵۸)، بحار الأنوار (۵۱/۴۳)، كشف الغمة اربلی نقل از کتاب معالم العترة عبد العزيز بن الأخضر الجنابذي (گنابادی)، صحيح مسلم (۱۳۲/۷)، سنن الترمذي (۳۶۶/۵رقم ۳۹۸۰)، صحيح ابن حبان (۴۰۲/۱۵)، المعجم الكبير طبراني(۴۰۲/۲۲) و(۲۳/ ۱۶-۱۱)، رياض الصالحين نووي (ص ۲۰۹ رقم ۴۴)، تفسير القرطبي (۸۳/۴)، الدر المنثور سيوطي (۲۳/۲) نقل از ابن أبي شيبة و بخاري ومسلم و ترمذي و نسائي و ابن جرير و ابن مردويه، فتح القدير شوكاني (۱:۳۳۹)، تاريخ بغداد خطيب (۷:۱۹۴) و (۹:۴۱۱)، تاريخ مدينة دمشق (۱۰۶/۷۰و۱۱۱و۱۱۲).

۹. خداوند چهار تن را برگزید: كتاب النوادر راوندي (ص ۲۶۰)، مناقب ابن شهر آشوب (۱۰۴/۳)

نقل از کتاب أبي بكر شيرازي، بحار الأنوار ۳۴۵/۲۹ و(۹۳۶/۴۳) از شيرازي و مقاتل، و أبو نعيم در حلية الأولياء و ابن البيع در مسند و خطيب در تاريخ و ابن بطة در إبانة و سمعانی در فضائل به أسانيدشان از أنس. ثعلبي در تفسيرش و سلامي در تاريخ خراسان و أبو صالح مؤذّن در أربعين به أسانيدشان از أبوهريرة. در روايت مقاتل و ضحاك و عكرمة از ابن عباس آورده كه افزود: و أفضلهنَّ فاطمة (برترين بانو در ميان اين برگزيدگان، فاطمه است).

۱۰. تو را از ميان زنان جهان، چهارتن بسنده است: المصنّف صنعاني (۱۱:۴۳۰)، المصنّف ابن أبي شيبة (۵۳۰/۷)، مسند أبي يعلى الموصلي (۳۸۰/۵ رقم ۳۰۳۹)، صحيح ترمذي (۵/۳۶۷ ح ۳۹۸۱)، المستدرك حاكم (۱۵۷/۳ - ۱۵۸)، تلخيص المستدرك ذهبي (۳/۱۵۸)، الاستيعاب ابن عبد البر چاپ شده درهامش الإصابة (۲۸۵/ ۴ و۳۷۷)، الإصابة ابن حجر (۴/ ۳۷۸)، ذخائر العقبى طبري (ص ۴۳)، ينابيع المودة قندوزي (ص ۱۷۲و۱۸۳و ۱۹۸) ط اسلامبول و (ص ۱۹۹) [در اينجا حديث را صحيح می‌داند] و (۲۰۲و۲۳۴) ط الحيدرية، مناقب علي ابن أبي طالب ابن المغازلي (ص ۳۶۳ ح ۴۰۹)، الفصول المهمهٔ ابن الصباغ (ص ۱۲۹)، مصابيح السنة بغوي (۲/۲۸۳)، إحقاق الحق (۱۰/۵۹)، مشكل الآثار طحاوي (۱/۴۸)، معالم التنزيل بغوي (۱/۲۹۱)، تفسير الخازن (۱/۲۹۱)، مشكاة المصابيح (۳/۲۶۸)، كنزالعمال (۱۲۷/۱۳) ط ۲ حيدر آباد، تذهيب التهذيب ذهبي (ص ۱۳۴)، البداية ابن كثير (۲/۶۱)، تهذيب التهذيب ابن حجر (۴/۴۱)، طرح التثريب (۱/ ۱۴۹)، الكشف والبيان ثعلبي (مخطوط)، الخصائص سيوطي (۲/۲۶۵)، الجامع الصغير سيوطي (۱/۵۰۵)، الثغور الباسمة في مناقب سيدتنا فاطمة سيوطي (ص ۱۳)، جمع الوسائل هروي (۱/۲۷۰)، أرجح المطالب (ص ۲۴۳)، شرح ثلاثيات مسند أحمد (۵۱۱/۲)، وسيلة المآل (ص ۸۰)، جمع الفوائد من جامع الأصول فاسي (۲/۲۳۳)، الفتح الكبير نبهاني(۲/۷۲)، مفتاح النجا بدخشي (مخطوط)، السيف اليماني المسلول (ص ۲۰)، فرائد السمطين ۴۴/۲، العمدة ابن البطريق (ص ۳۸۷) نقل از صحيح ترمذي، العمدة (ص ۳۹۲) نقل از صحيح مسلم، بحار الأنوار (۱۴:۱۹۵) نقل از ثعلبي، بحار الأنوار (۱۴:۲۰۰ -۲۰۱) نقل از خصال (۱:۹۶و۱/ ۱۶۴) چاپ جديد، بحارالأنوار (۲/۱۶ و۷) و (۲۹:۳۴۴) و (۶۸/ ۳۷)، جامع الأصول (۹/۱۲۵ حديث ۶۶۷۰) و در چاپ ديگر (۹/۸۱ حديث ۶۶۵۸)، مسند أحمد (۳/۱۳۵) و(۲۲۲/۴) (۵/ ۳۶۲)، مستدرك حاكم (۱۵۷/۳) و (۱۵۸/۴)، صحيح ترمذي (۵/۷۰۳ حديث ۹۳۸۷۸)، منتخب مسند عبد بن حميد الكسي (ص ۵۹۷/۲۰۵)، المعجم الأوسط طبراني (۷/ ۲۵۴)، المعجم الكبير طبراني ۴۰۲/۲۲.

۱۱. رسول الله ﷺ چهار خط بر روی زمین کشید تا به چهار بانوی برگزیده اشاره کند: مسند أبي يعلى (۱۱۰/۵ ح ۲۷۲۲)، خصال شيخ الصدوق (ص ۲۲)، بحار الأنوار (۱۶۲/۱۳-۱۶۱)، تفسير العسكري (۱۴۴-۱۴۳)، الاحتجاج (ص ۲۰۶)، الخصال (۸۲:۱)، بحارالأنوار (۱۶۸/۱۴)، تفسير فرات (ص ۱۱۳)، مسند أحمد (۲۹۳/۱) و (۳۱۶/۱) و (۳۲۲/۱)، مستدرك حاكم (۱۶۰/۳)، المعجم الكبير طبراني (۲۶۶/۱۱) و (۷/۲۳)، تهذيب الكمال مزي ۲۴۹/۳۵.

پنجم. برتری حضرت خدیجه بر دیگران

سُبکی کبیر گوید: به عقیده ما، فاطمه برترین بانو است و پس از او، خدیجه و سپس عایشه. خلاف این مطلب شهرت دارد، ولی بهتر است که از حق پیروی شود. ابن القیم گوید: اگر مراد از برتری کثرت ثواب نزد خدا باشد، این امری است که خبری از آن نداریم. زیرا عمل قلوب برتر از عمل اعضای بدن است. ولی اگر بر اساس کثرت علم بگوییم، ناگزیر عایشه برترین است!؟؟ اگر بر اساس شرافت اصل و نسب بگوییم، بی تردید فاطمه برترین است. این فضیلتی است که هیچ کسی جز خواهرانش در آن مشارکت ندارد. و اگر شرع سیادت مورد نظر باشد، نصّ فقط برای فاطمه تابت می‌شود. حافظ پس از نقل کلام سُبکی گوید: فاطمه از خواهران خود برتر است، به اینکه آنان در زمان حیات پیامبر ﷺ، از دنیا رفتند. از سوی دیگر، فضیلتی که عایشه با فضیلت علم دارد، امتیاز خدیجه در سبقت به اسلام آوردن و فراخواندن به آن و کمک به استواریِ دین با بذل مال و جان و توجّه تامّ با آن برابری می‌کند. بدین روی همانند پاداش تمام آیندگان برای اوست. و قدر این فضیلت را کسی جز خدا نمی‌داند. برخی گفته‌اند: اجماع بر افضلیت فاطمه منعقد است. و در درجه بعد، بین افضلیت عایشه و خدیجه اختلاف است. در فيض القدير نوشته مناوي شرح الجامع الصغير سيوطی (۵۷۴/۳ ح ۳۸۸۲) آمده است: خديجة بنت خويلد بانوی قرشي أزدي است که شرافت ظاهر و حسب فاخر دارد و برترین همسر پیامبر است. حافظ عراقي این مطلب را تأیید می‌کند. ابن العماد همین سان گفته است. گرچه سبكي بر این دو در این کلام، سبقت گرفته است. فتح الباري ابن حجر (۳۲۱/۶) و (۱۰۶/۷-۱۰۵)، التعجب كراجكي(ص ۳۶). بنگرید: المراجعات سید شرف الدین (ص ۳۱۵)، النص والاجتهاد (ص ۴۲۰)، البداية والنهاية ابن كثير ۱۰۰/۸.

ششم. برخورد عایشه با او

۱. حسادت عایشه بر او

الذرية الطاهرة النبويّة دولابي (ص ۳۱) می‌نویسد: پیامبر از خدیجه به نیکی یاد کرد. عایشه گفت: پیر زالی بود. پیامبر از سخن او رنجید. نیز: شرح الأخبار مغربي (۲۱/۳)، تحفة الأحوذي مباركفوري ۲۶۳/۱۰-۲۶۴.

عایشه گوید: «ما حسدت امرأةً ما حسدت خديجة، وما تزوّجني رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله إلاّ بعدما ماتت» (من بر هیچ کسی رشک نبردم چنانکه بر خدیجه حسد بردم. و پیامبر، فقط پس از درگذشت خدیجه بود که با من ازدواج کرد). مراد عایشه این است که اگر در زمان عایشه، خدیجه زنده بود، عایشه بیشتر بر او حسد می‌برد، زیرا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله به خدیجه بشارت داده بود. بدین روی غیرت ورزیدن عایشه بر خدیجه دو علت دارد: یکی اینکه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بسیار از او یاد می‌کرد. دوم اینکه حضرت خدیجه به این بشارت اختصاص داشت. و این محبت فراوان پیامبر به او را نشان می‌دهد

۲. دشمنی عایشه با او

در کتاب الجمل للشيخ المفيد (ص ۲۱۹) می‌نویسد: عایشه با خدیجة بنت خویلد علیهاالسلام دشمنی می‌کرد و مانند هوو با او خصومت داشت. البته جایگاه او نسبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را می‌دانست و این جایگاه بر او گران می‌آمد. این دشمنی به حضرت زهرا هم رسید، لذا عایشه نسبت به مادر و دختر دشمنی می‌ورزید.

هفتم. بستگان

۱. حسنین علیهماالسلام

در امالی صدوق (ص ۵۲۲) آمده است که منادی پیامبر در مدینه ندا داد. مردم در کنار حضرتش در مسجد گرد آمدند. پیامبر به خطبه ایستاد و ضمن سخنانش فرمود: ای گروه مردمان! آیا خبرتان ندهم به کسی که بهترین جدّ و جدّه را دارد؟ گفتند: بلی ای رسول خدا. فرمود: حسن و حسین، که جدّشان محمد و جدّه شان خدیجة بنت خویلد است.

۲. امام حسین علیه‌السلام

نوه‌اش حسین علیه‌السلام در روز عاشورا ضمن معرفی خود به لشکر امویان فرمود:

أنشدكم الله، هل تعرفوني؟ قالوا: نعم، أنت ابن رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و أحد سبطيه. قال: أنشدكم الله، هل تعلمون أنّ جدي رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله؟ قالوا: اللهم نعم. قال: أنشدكم الله، هل تعلمون أنّ أمي فاطمة بنت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله؟ قالوا: اللهم نعم. قال: أنشدكم الله، هل تعلمون أنّ أبي عليّ بن أبي طالب علیه‌السلام؟ قالوا:اللهم نعم. قال: أنشدكم الله، هل تعلمون أنّ جدّتي خديجة بنت خويلد، أوّل نساء هذه الأمة إسلاماً؟ قالوا: اللهم نعم. الأمالي شيخ الصدوق (ص ۲۲۲)، اللهوف سيد ابن طاوس الحسني (ص ۵۳).

۳. نوه اش: امامة

در الطبقات الكبرى لابن سعد ۳۹/۸ از او یاد شده است.

۴. فرزندانش

ذخائر العقبى للطبري (ص ۱۵۱)، شرح الأخبار للمغربي ۱۵/۳، كتاب المنمّق لابن حبيب (ص ۲۴۷).

۵. فاطمه زهراء

ولادت فاطمة: الثاقب في المناقب ابن حمزة (ص ۲۸۵)، أمالی صدوق (۴۷۵)، المناقب ابن شهر اشوب (۳۴۰: ۳)، روضة الواعظين: (۱۴۳)، الخرائج والجرائح (۵۲۴/۱: ۲)، دلائل الإمامة (ص ۸)، ينابيع المودة (۱۹۸)، ملحقات إحقاق الحق (۴:۱۹)، معالم الزلفى (ص ۳۹۰).

۶. قاسم. بحار الأنوار ۱۵/۱۶

۷. الطاهر: بحار الأنوار (۱۶/ ۱۶). در أسد الغابة لابن الأثير(۳: ۵۰) گوید: طاهر پسر هالة و برادر هند بن أبي هالة الأسدي التميمي است كه اسم أبي هالة نباش بود. ۸ و ۹. زينب و أمّ كلثوم: نصب الراية للزيلعي (۲/ ۳۰۷) كتاب الصحابة ابن الأثير گوید: زينب بنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بزرگترين دختر پيامبر بود و مادرش خديجة بنت خويلد كه در سال هشتم درگذشت و پيامبر خود، قبل از دفن در قبرش وارد شد. خواهرش ام كلثوم در سال نهم درگذشت و رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بر پيكر او نماز گزارد.

۱۰. رقيّة بنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: مادرش خديجة بنت خويلد رضي الله عنهما است. به روايت مصعب بن عبد الله، خديجه برای رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله فاطمه و زينب و رقيّه و أم كلثوم را زاد. تهذيب الكمال مزي (۲۳: ۳۴). ۱۱. پسرش هند: در كتاب البداية ابن كثير (۶: ۳۵) گويد: هند

ربیب (فرزندخوانده) رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بود که مادرش خدیجه بود. او می‌گفت:

من از جهت پدر، مادر، برادر و خواهر، گرامی ترینِ مردم ام. پدرم رسول خدا است (که همسر مادرش بود)، مادرم خدیجه، برادرم قاسم، خواهرم فاطمه. هند روز جمل در رکاب علی کشته شد. المنتخب من ذیل المذیل علی الطبري (ص ۴۰)

۱۲. نوه دختری او

محمّد بن صیفي نوه دختری خدیجه است، مادرش هند بنت عتیق بن عامر بن عبد الله بن عمر بن مخزومبود و مادرش خدیجه. الإصابة ابن حجر ۱۴: ۶/۷۷۹۴. ۱۳. نوه دختری دیگر

محمّد الأوسط ابن أمیرالمؤمنین علیه‌السلام، که مادرش أمامة بنت أبي العاص بن الربیع بود که مادر امامة، زینب بنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بود و مادر زینب، خدیجه. الطبقات ابن سعد ۳: ۲۰.

۱۴. جدّ مادری

جدّ مادری او، عمرو بن خنثر، از قهرمانان دوره جاهلیت بود. تاج العروس زبیدي ۱۹۰/۳.

۱۵. پدر

پدرش خویلد بود که با قوم تبّع درگیر شد، وقتی که تبّع خواست حجرالأسود را به یمن ببرد. خویلد، با گروهی از قریش با او درافتاد. تُبَّعٌ خوابی دید که از این کار هراسید، لذا از این تصمیم بازگشت و حجرالاسود را در جای خود نگاه داشت. در سبل الهدی للصالحي (۱: ۱۱) و تاج العروس (۶: ۱۰) و (۶/ ۸۶) گوید: «آبي الخسف» لقب خویلد پدر خدیجه همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است. یحیی بن عروة بن الزبیر در باره‌اش گوید:

أبٌ لي آبي الخسف قد تعلمونهُ وفارس معروف رئیس الکتائب

۱۶. جدّه او

نهیّة (بر وزن سمیّة)، دختر سعید بن سهم أمّ ولد أسد بن عبدالعُزّی بن قصي مادر خویلد و جده سیدة خدیجة علیهاالسلام است. تاج العروس ۳۸۲/۱۰.

۱۷. امامان معصوم علیهم‌السلام

امام صادق علیه‌السلام فرمود: فاطمه مادرمان و خدیجه بنت خویلد والده ماست. شرح الأخبار مغربي ۶۴/۳. ۱۸. پسر عمّ

ورقة بن نوفل بن أسد بن عبد العزّی پسر عموی أمّ المؤمنین و جدّة أهل البیت خدیجة

بنت خويلد بن أسد بن عبد العزى رضي الله عنها است. ابن مندة گويد: در باره مسلمانيِ او اختلاف نظر است. اظهر اين است كه قبل از رسالت درگذشته است. تاج العروس زبيدي (۷:۸۶). در شرح الأخبار للمغربي (۳:۱۵) گويد: او بر دين نصرانيت بود و كتابهاى آسمانى را خوانده بود. پيوسته تذكر مى‌داد كه پيامبرى از قريش برانگيخته خواهد شد. به خدا سوگند او پيامبرى است كه بايد انتظارش را كشيد. در اين زمينه اشعار زيادى سرود. و قبل از بعثت حضرت محمد ﷺ به نبوت درگذشت.

در شرح الأخبار للمغربي (۱۸۳/۱) شعر او را نقل مى‌كند:

لججت وكنتُ في الذكرى لجوجا لهمّ طال ما بعث النشيجا

اين ابيات نيز در الإصابة لابن حجر ۳/ ۶۳۴ آمده است:

هذي خديجة تأتيني لأخبرها وما لنا بخفيّ الغيب من خبر
بأنّ محمّداً سيسود قوماً ويخصم من يكون له حجيجا

در البداية والنهاية ابن كثير (۲: ۳۶۲) آمده كه ورقه سرود:

لقد نصحتُ لأقوامٍ وقلتُ لهم أتبكر أم أنت العشية رائح
أناالنذيرُ فلا يغرركم أحد وفي الصدر من إضمارك الحزن قادح

او وصيّتى به خديجة بنت خويلد عليها السلام دارد كه در اين منابع آمده است: أمالي مفيد (۱۸۵/۱)، أمالي طوسي (۳۰۲/۵۹۸) ط جديد، البداية ابن كثير (۳:۳۵) و ۳۶۲/۲.

۱۹. خواهرش هاله بنت خويلد

هالة بنت خويلد بن أسد خواهر خديجة أمّ المؤمنين بانوى صحابي و مادر أبي العاص بن الربيع است. تاج العروس (۸: ۱۷۶)، الشفا قاضي عياض (۱:۱۲۷)، المنتخب من ذيل المذيل طبري (ص ۴۱).

۲۰. خواهرزاده‌اش ابوالعاص أبو العاص كه نامش لقيط بن الربيع بن عبد العزى بن عبد شمس العبشميّ است، داماد رسول الله ﷺ بود كه روز بدر به اسارت مسلمانان درآمد. او پسر خواهر خديجة بنت خويلد بود كه به كنيه‌اش أبوالعاص شهرت داشت. اسم او را مهشم، هشيم، قاسم گفته‌اند و لقيط أصحّ است. تاج العروس للزبيدي ۵/ ۲۱۷.

۲۱ و ۲۲. برادر و برادرزاده: حكيم بن حزام بن خويلد بن أسد القرشى الصحابى كه

در شمار «المؤلّفة قلوبهم» بود، سپس نیکو اسلام آورد. پس به اتفاق نظر، صحابی است. پدرش حزام بن خویلد است که برادر خدیجة بنت خویلد است. سیرة ابن هشام الحميري (۱/ ۲۳۶)، تاج العروس ۲۴۶/۸.

۲۳ و ۲۴. خواهر و خواهرزاده‌اش رقیقة و أمیمة خواهرش رقیقة بود که دختر او أمیمة نام داشت. رقیقة بنت خویلد بن أسد خواهر خدیجة بنت خویلد بود و أمیمة دختر خالة أولاد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله از خدیجه می‌بود. أسد الغابة ابن الأثیر(۵:۴۰۳)، شرح سنن النسائي سیوطي (۱:۳۱)

۲۵. نوهٔ خواهرش حکیمة

حکیمة بنت أمیمة بنت رقیقة بود که رقیقة خواهر خدیجة بنت خویلد بود. پدر أمیمة، عبد الله بن بجادالتمیمي بود و حکیمه بانویی تابعی است. تاج العروس ۸: ۲۵۴

۲۶. برادرزاده‌اش زبیر

در الفائق في غریب الحدیث زمخشري (۱:۲۹۱) گوید: خدیجة عمّه زبیر است، زیرا خویلد بن أسد پدر عوام و خدیجة است، پس حضرت خدیجه عمّه عبدالله بن زبیر بود، چنانکه جدّ را پدر می‌دانند. شرح نهج البلاغة ابن أبي الحدید (ج۴ ص ۶۲).

هشتم. دیگر نزدیکان خدیجه

۱. بستگان سببی

المنتخب من ذیل المذیل للطبري (ص ۶). در المجموع نووي (۱۹:۳۸۱) گوید: عبدالعُزَّی بر عبدالدار مقدّم است، زیرا دامادهای رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در میان آنها بودند. و خدیجة بنت خویلد از آنان بود. در روضة الطالبین نووي (۵:۳۲۱) گوید: بني هاشم را مقدّم می‌دارند، وبني مطلب بر دیگر افراد قریش بر آنها تقدّم دارد، سپس بني عبد شمس وبني نوفل برادران هاشم، بني عبد شمس از آنهایند، زیرا او برادر ابوینیِ هاشم است، و نوفل برادر پدریِ او، آنگاه بني عبد العُزَّی وبني عبد الدار که دو پسر قصي بودند. بني عبد العزّی بر آنها مقدم است، زیرا دامادهای رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند و خدیجة رضي الله عنها بنت خویلد بن أسد بن عبد العزّی است.

۲. قابله خدیجه قابله او سلمی مولاة صفیّة بود. الإصابة ابن حجر (۹۹/۸رقم ۱۱۰۹۲).

۳. واسطه تزویج

نفیسة برای تزویج رسول الله ﷺ و خدیجة بنت خویلد کوشید که به ازدواج آن دو بزرگوار انجامید. الطبقات الکبری ابن سعد ۲۴۴/۸

۴. ماشطه او

أمّ زفر: أمّ زفر ماشطة خدیجة بنت خویلد بود. او عمری دراز یافت تا اینکه عطاء بن أبي رباح او را دید. البدایة ابن کثیر (۱۷۷/۶) و (۳۲۵/۶)، أسد الغابة، الشفا قاضي عیاض ۱۳۱/۱.

۵. برخی از مدّعیان خویشاوندیِ او

در الاستغاثة لأبي القاسم الکوفي (۱:۷۰) گوید: بین من و یکی از منسوبین به هند مجادلات ومناظراتی روی داد در مورد نسبت به خدیجة و آنچه در مورد جده خود هالة خواهر خدیجة از آن بی خبرند. وقتی مطلب صحیح را به آنها گفتم، بر آنها گران آمد، و با من ستیزه بسیار کردند. به آنها گفتم که این ناشی از جهل آنها نسبت به نسبشان باشد، و حقیقت این است که خدیجة هرگز با کسی غیر از رسول الله ﷺ ازدواج نکرده است.

۶. یزید بن هاله

یزید بن عمر أبوعبدالله التمیمي: در أسد الغابة ابن الأثیر (۷۴۷۰/۵:۴۵۶) گوید که او از نسل أبي هالة النباش بن زرارة، همسر خدیجة بنت خویلد بوده که از ابن لأبي هاله از امام حسن بن علي علیه‌السلام روایت می‌کند. گوید: از دائی ام هند بن أبي هالة اخلاق رسول الله ﷺ را پرسیدم- تا آخر حدیث که طولانی است. در همان منبع، حدیث او عن الحسین بن علیّ، عن أبیه علیّ بن أبي طالب علیه‌السلام نیز آمده است.

۷ و ۸. خدیجی اکبر و خدیجی اصغر الخدیجيّ: در رجال نجاشي (ص ۲۶۶رقم ۶۹۲) آمده: علیّ بن عبد الله بن محمد بن عاصم بن زید بن عمرو بن عوف بن الحارث بن هالة بن أبي هالة النبّاش بن زرارة بن وقدان بن أسید بن عمرو بن تمیم أبو الحسن معروف به خدیجيّ که خدیجی أصغر است. خدیجيّ أکبر نیز داریم که علیّ بن عبدالمنعم بن هارون است. به او خدیجيّ گویند، زیرا مادر هالة بن أبي هالة، خدیجة بنت خویلد رضي الله عنها است. الفهرست طوسيّ (ص ۸۷) گوید که او کتاب «خدیجة وعقبها وأزواجها» را نوشته است.

نهم. خانه خدیجه

در فتوح البلدان بلاذري (۱:۵۷) آمده است: عبدشمس دو چاه حفر کرد، و آنها را «خُمّ» و «رُمّ» نامید، چنانکه کلاب بن مرّة دو چاه خود را نامیده بود. «خُمّ» در منطقه ردم، و «رُمّ» در کنار خانه خدیجة بنت خویلد بود. در کتاب معجم ما استعجم للبکري (۲: ۵۱۰) از أبي عبیدة می‌آورد: «خمّ» چاهی است که عبد شمس در بطحاء بعد از چاه عجول حفر کرد. بکری می‌افزاید: ومن «زُمّ» یا «رُمّ» را نیز حفر کرد. (نام اول، معتبرتر است) که در کنار خانه خدیجة بنت خویلد جای دارد. در تاریخ الطبري (۳: ۳۶) گوید: منزل خدیجة در آن زمان همان خانه‌ای است که امروز هم به این نام شناخته شده است و آن را «منزل خدیجة» می‌شناسند. معاویة با چند مکان دیگر خرید و آن را مسجد قرار داد که مردم در آن نماز می‌گزارند، با همان بنایی که آن روز بود. سنگی که در جنب چپ از درِ ورودی خانه است، همان است که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله زیر آن می‌نشست و از آزار سنگهای مشرکان که از خانه ابولهب و خانه عدي بن حمراء الثقفي پرتاب می‌شد، خود را می‌پوشانید. محمد بن علوي المالکي در کتاب مناقب خدیجة الکبری (ص ۲) می‌نویسد: خانه خدیجة بنت خویلد همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که اسلام را با اموال خود یاری کرد، تا آنجا که گفتند: «ما قام الإسلام إلاّ بسیف عليّ و أموال خدیجة»، در سوق الصاغة قرار دارد که از سوق الطویل پشت مسعی جدا می‌شود. این خانه مهبط وحي و تنزیل و زادگاه فاطمة‌الزهراء علیهاالسلام بود. در کلمة التقوی شیخ زین الدین (۳:۴۹۹) گوید: شایسته است که زائر، منزل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را زیارت کند، همان که منزل همسرش جناب خدیجة بنت خویلد أمّ المؤمنین علیهاالسلام بود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در زمان حیات جناب خدیجه با او در همین خانه می‌زیست. پس از وفات خدیجه تا زمان هجرت به مدینه نیز در آن می‌زیست. فرزندانش در این خانه زاده شدند. این مسجد، اکنون در کوچه‌ای به نام زقاق الحجر جای دارد، و به آن، مولد فاطمة الزهراء علیهاالسلام نیز می‌گویند.

دهم. وفات خدیجه

۱. روز و سال وفات بانو. در بحار الأنوار(۱۹:۵) به نقل از مسارّ الشیعة للمفید (ص ۶) گوید: در روز دهم ماه ي رمضان سال دهم از بعثت، سه سال قبل از هجرت أمّ المؤمنین خدیجة

درگذشت. در الحدائق الناضرة یوسف بحراني (۱۷:۴۲۳) آمده که آن سال را عام الحزن نامیدند.

در بحارالأنوار (۱۶:۱۳) می‌نویسد که راوی گفت: حضرت خدیجه در ۶۵ سالگی درگذشت، حدود سه سال قبل از هجرت، و کمی بعد از خروج مسلمانان از شعب ابی طالب. پیکر او را از خانه‌اش آوردیم و در حجون به خاک سپردیم. رسول الله ﷺ در قبر او وارد شد. آن زمان نماز بر میت تشریع نشده بود. در التنبیه والإشراف مسعودي (ص ۱۹۹) می‌نویسد:

جناب ابوطالب عموی پیامبر در هشتاد و چند سالگی، و همسر پیامبر، خدیجه در ۶۵ سالگی، هر دو در سال دهم بعثت به فاصله سه روز درگذشتند، و این حدود هجده ماه پس از خروج بنی هاشم از شعب ابی طالب بود. بلاذری در انساب الاشراف (۱/۱۸۶) از برخی راویان نقل می‌کند که حضرت خدیجه پنج سال پیش از هجرت درگذشت، ولی این سخن را غلط می‌داند.

در مستدرك حاکم (۳:۱۸۲) آمده است: حضرت خدیجة در حجون دفن شد. پیامبر در قبر او وارد شد. بانو در زمان ازدواج ۲۸ سال داشت. مادرش فاطمة بنت زائدة بن الأصم، و مادر او هالة بنت عبد مناف بود. از هشام بن عروة نقل است که وفات خدیجة بنت خویلد رضي الله عنها در ۶۵ سالگی قول شاذّ است، و به نظر من سنّ او به ۶۰ سالگی نرسیده بود. در المنتخب من ذیل المذیل علی الطبري (ص ۸۶) می‌نویسد: حضرت خدیجة در حجون دفن شد. پیامبر در قبر او وارد شد.

۲. واکنش رسول خدا و صدیقه کبری به وفات خدیجه

یعقوبی می‌نویسد: رسول خدا در بیماری واپسین حضرت خدیجه نزد او رفت، در حالی که بسیار غمگین بود. به او فرمود: دشوار است بر من آنچه می‌بینم، ولی امید می‌برم که خداوند در این ناخوشنودی من خیر کثیر قرار دهد. پس از وفات خدیجه فاطمة گریان به رسول الله ﷺ پناه آورده بود و می‌گفت: مادرم کجاست؟ جبرئیل فرود آمد و به پیامبر گفت: به فاطمه بگو که خدای تعالی برای مادرت خانه‌ای در بهشت بنا کرده که در آن رنج نمی‌کشد.

ابوطالب در ۸۶ یا ۹۰ سالگی سه روز بعد از خدیجه درگذشت. وقتی خبر رحلت ابوطالب را به پیامبر دادند، این خبر بر رسول خدا دشوار آمد. پیش آمد و فرمود: عموجان! در کودکی مرا سرپرستی کردی و در حال یتیمی کفالتم را بر عهده گرفتی، و در بزرگسالی یاریم کردی. اینک خداوند از سوی من جزای خیرت دهاد. پیامبر پیشاپیش جنازه او می‌رفت و می‌گفت: پیوند خویشاوندی را به جای آوردی، جزای خیر نصیبت باد. پیامبر افزود: این روزها دو مصیبت به این امت رسید که نمی‌دانم در کدام یک بیشتر سوگوارم. مراد پیامبر، فوت ابوطالب و خدیجه بود. از حضرتش روایت شده که فرمود: خدای عزوجل در باره چهار تن به من وعده نیکو داده است؛ پدرم، مادرم، عمویم و برادری که در دوره جاهلیت داشتم. البداية ابن كثير (۲:۷۴)، مجمع الزوائد (۹/۲۱۸)، الإصابة ابن حجر(۸: ۱۰۱)، كنز العمال رقم ۳۴۳۴۵، الطبقات الكبرى ابن سعد ۲۱۰/۱.

در تاريخ الطبري (۴۱۳/۲)، البداية لابن كثير (۵:۳۲۱)، إعلام الورى للطبرسي (۱:۵۳) وسيرة ابن هشام الحميري (۲:۲۷۳- ۲۸۲) آمده که ابن إسحاق گفت: خديجة بنت خويلد و أبوطالب در یک سال درگذشتند، سه سال پیش از هجرت به مدینه. مصیبت بر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله با وفات خديجة تجديد شد، زیرا او همراه وفادار پیامبر در یاری اسلام بود. پیامبر به همسرش خدیجه و عمویش ابوطالب انس می‌گرفت. ابوطالب بازو و پشتیبان و یاور و مدافع پیامبر در برابر قومش بود. در زمان حیات ابوطالب توان آزردن حضرتش را نداشتند؛ اما پس از رحلت ابوطالب، دست قریش در آزردن پیامبر باز شد، تا آنجا که یکی از سفیهان قریش خاک بر سر پیامبر ریخت. آن گرامی با سری خاک آلود وارد خانه شد. یکی از دخترانش سر پدر را می‌شست و می‌گریست. پیامبر فرمود: دخترم! گریه نکن. خداوند از پدرت حمایت می‌کند. پیامبر می‌فرمود: تا وقتی ابوطالب زنده بود، قریش جرأت چنین رفتاری را با من نداشتند.

۳. مزار خدیجه در المنتخب من ذيل المذيل على الطبري (ص ۸۶) آمده که خدیجه در حَجون دفن شد و رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد قبر او شد. در أسد الغابة (۷۸/ ۶رقم ۶۸۶۷) نیز می‌نویسد که او در حَجُون دفن شد. در كلمة التقوى شیخ زین الدین (۳/ ۴۹۹) می‌نویسد: زیارت قبر بانو خدیجه بنت خویلد أمّ المؤمنین مستحب است. مزار او در حجون شناخته

شده است. همچنین زیارت قبر ابوطالب و بنی هاشم در آن مکان مستحب است.

یازدهم. کتابهای مستقل در باره خدیجه

۱. کتاب خديجة و عقبها و أزواجها، نوشته أبي الحسن علي بن عبد الله بن محمد التميمي، الخديجيّ الأصغر. او خديجي نام داشت چون جده هشتم او هالة ابن أبي هالة كانت دختر خديجة از همسر اولش بود. پس یکی از نوادگان دختری خديجة بنت خويلد است. او این کتاب را نگاشت تا یادبود گذشتگان خاندانش باشد. نجاشي كتاب را از او به سه واسطه روایت می‌کند. بنگرید: الذريعة آقا بزرك الطهراني (۷۸۹/۷:۱۴۳) و(۵۳/ ۱۵:۳۴۶).

۲. مناقب السيدة خديجة بنت خويلد، نوشته أحمد بن محمد بن علوي الحسيني العلوي آل المحضار(۱۳۰۴- ۱۲۱۷). الأعلام زركلي ۲/۲.

۳. رسالة في قصة زواج النبي ﷺ بالسيّدة خديجة، نوشته أحمد المحضار یادشده.

۴. خديجة أمّ المؤمنين، نوشته عبد الحميد الزهراوي. چاپ شده. الأعلام زركلی ۳۰۲/۲

۵. خديجة أمّ المؤمنين، نوشته بثينة توفيق، معجم المؤلّفين عمر كحالة ۱۲۸/۳.

۶. البشرى في مناقب السيدة خديجة الكبرى رضي الله عنها، نوشته سيد محمد ابن علوي مالكي حسني از علمای مسجد الحرام، چاپ مكّة مكرّمة

۷. همین نوشتار.

۸. الأنوار الساطعة من الغراء الطاهرة نوشته شيخ غالب السيلاوي، چاپ قم

دوازدهم. منابع شرح حال او

الطبقات الكبرى لابن سعد (۸ص ۱۴)، الاستيعاب (۲۷۹:۴)، الإصابة(۲۸۱:۴) قسم النساء، الترجمة (۳۳۳)، أسد الغابة (۴۳۴:۹۵)، بحار الانوار (۱۸۱: ۱۶) و(۳۸۵: ۱۸) و(۱/۱۹)، قاموس الرجال (۴۳۰:۱۰)، الدر المنثورللسيوطي (۲۲۹/ ۸)، فضائل الصحابة لابن حنبل (ص ۷۳)، طبقات ابن سعد (۷:۸/۱۱)، المحبّر (۱۱و۷۷و۴۵۲)، صفة الصفوة (۲:۲)، سير أعلام النبلاء جلد دوم، تاريخ الخميس (۳۰۱:۱)، ذيل المذيل(ص ۶۵)، السمط الثمين(۱۷).